



راه تجربه

۳ گروه فرهنگی مشهدی در بوستان کوهسنگی شب‌های متفاوتی رقم زدند

فرصتی برای روشنگری

به خاطریک هویت مشترک

دور تا دور فضای گرادیان تصویر مشاهیر ایرانی دیده می‌شود. ۶ شخصیت مبارز که بی‌بی مریم بختیاری هم می‌نشان به چشم می‌خورد، توجه رهگذران را جلب می‌کند. بعضی‌ها مقابل این تصاویر می‌ایستند و عکس می‌گیرند. تصاویر میرزا کوچک خان، آریوبرزن، آرش کمانگیر هم دیده می‌شود. مبین دانشجوی دانشگاه رضوی است. او تیمی از این دانشگاه، غرفه چای دایر کرده‌اند. علاوه بر این با حاضران در گرادیان کوهسنگی درباره این مشاهیر گفت‌وگو می‌کنند.

مبین می‌گوید: برخی از نوجوانان با کنجکاوی درباره این شخصیت‌ها سؤال می‌کنند و تیم ما تلاش می‌کند درباره این مشاهیر اطلاعات هویتی به جوانان و نوجوانان بدهد. بیشتر اوقات گفت‌وگو و طرفه می‌شود. در نهایت این موضوع را به شرکت‌کنندگان در گفت‌وگو یادآور می‌شویم که ماهویت مشترکی داریم؛ این هویت به امانت به ما سپرده شده است و باید برای حفظ آن کنار یکدیگر بمانیم. او در ادامه می‌گوید: جوانان درباره مشکلات اقتصادی، وقایع ۱۸ و ۱۹ دی و... ابهاماتی دارند که من و دوستانم سعی می‌کنیم ضمن گفت‌وگو رفعش کنیم.

دو جوان مقابل تصویر میرزا کوچک خان ایستاده‌اند و با هم حرف می‌زنند. حسین واحمدوزیری از کرمان آمده‌اند. حسین که دانشجوی ادبیات است، می‌گوید: به نظرم آشنایی جوانان و نوجوانان با مشاهیر کشورمان از نان شب واجب‌تر است. وقتی ندانیم چه ریشه‌ای داریم، به راحتی در فرهنگ‌های غربی ذوب می‌شویم.



محبوبه فرامرزی از دور جنب و جوشی در گرادیان بوستان کوهسنگی دیده می‌شود. یکی می‌آید و دیگری بالبخند می‌رود. چند غرفه در این فضا دیده می‌شود. هیئت زنانه گوهرشاد، دانشگاه رضوی و کانون نجمادست به دست هم داده و برنامه‌ای فرهنگی برای زنان و مجاوران ترتیب داده‌اند. آن‌ها از تولد امام رضا(ع) این برنامه را شروع کرده‌اند. روشنگری افکار عمومی درباره جنگ تحمیلی سوم و آشنایی آنان با مفاخر ایرانی مهم‌ترین هدف این گروه است. یک شب را میهمان جمع حاضر در گرادیان بودیم و از نزدیک با فعالیت‌هایشان آشنا شدیم.

درخت راوی در غرفه زنان پیروز

در غرفه «زنان پیروز» ایران پیروز، درختی کوچک به چشم می‌خورد که از آن نوارهای رنگی سبز و سفید و قمرز آویزان است. نزدیک تر که می‌شوم، تصاویر دانش‌آموزان شهید میناب توجهم را جلب می‌کند. تکتم محمدی یکی از اعضای هیئت زنانه گوهرشاد است. او در غرفه حضور دارد و برای بازدیدکنندگان درباره فعالیتشان توضیح می‌دهد: خرداد ۱۴۰۳ این هیئت به صورت کاملاً مردمی و بدون دریافت کمک از هیچ نهادی تشکیل شد. بانوان هیئت در بازه زمانی مشخصی در خانه یکی از اعضا جمع می‌شوند و همه با هم محصولی خانگی تولید می‌کنند. بعد از پایان کار، خودشان آن محصول را می‌خرند و درآمد این اقدام به جبهه مقاومت اختصاص می‌یابد.

حالا چند نفر از این هیئت در غرفه زنان پیروز فعال‌اند. آن‌ها مصاحبه‌های رسانه‌ها با خانواده‌های کودکان میناب را جمع‌آوری و به پادکست تبدیل کرده‌اند. محمدی می‌گوید: هر کدام از بازدیدکنندگان از روی درخت راوی تصویری را انتخاب می‌کنند و ما پادکست زندگی آن شهید را در اختیارش قرار می‌دهیم. در کنار این غرفه، کودکان در حال رنگ‌آمیزی نقاشی ناودناه هستند. فاطمه سادات حسینی یازده ساله در حالی که پرچم ایران را رنگ می‌کند، می‌گوید: آمریکایی‌ها این کشتی را وسط دریا غرق کردند؛ چند نفر هم شهید شدند. وقتی این اتفاق افتاد، مادرم خیلی گریه کرد. الان که دارم ناوارنگ می‌زنم، یاد آن روز می‌افتم.



چای، بازی و تفکر

چند میز و صندلی وسط محوطه گرادیان دیده می‌شود و چند نفر با باربندیل و سوغاتی روی صندلی‌ها نشسته‌اند. معلوم است زائرند و برای تفریح به کوهسنگی آمده‌اند. حالا هم وقت استراحت است. پشت یکی از میزها چهار نفر نشسته‌اند و گرم گفت‌وگو هستند که دو دختر باگویی کره زمین و چند پاکت به آن‌ها نزدیک می‌شوند. آن‌ها از کانون نجمادست و از این خانواده می‌خواهند با آن‌ها بازی کنند. نام بازی مه‌شکن است. اعضای خانواده نگاهی به هم می‌اندازند و قبول می‌کنند.

از نزدیک شاهد بازی مه‌شکن هستیم. بازی بر محور اطلاع عمومی می‌چرخد؛ بیشتر هم دانش تاریخ و جغرافیای شرکت‌کنندگان محک می‌خورد. در خلال بازی آرام آرام ذهن شرکت‌کنندگان روشن می‌شود و پی به حقایقی می‌برند.

چند کارت با نام کشورهای تجزیه‌شده شوروی روی میز چیده شده است. به شرکت‌کنندگان پاکتی داده می‌شود که در آن، کارت‌هایی با عناوین مکان‌های گردشگری وجود دارد. آن‌ها تک کارت‌ها را زیر نام آن کشور قرار می‌دهند. این مرحله که تمام شد، کشورها را روی گوی کره زمین پیدا می‌کنند. حالا وقت تفکر است. چرا شوروی تجزیه شد؟ اکنون نوبت انسیه ترسلی مدیر کانون نجمادست که کارت‌هایش را رو کند. او چند کارت در دست دارد که با دادن توضیح آن را مقابل چشم شرکت‌کنندگان در مسابقه قرار می‌دهد. آن‌ها چای داغشان را می‌نوشند و با دقت به صحبت‌های ترسلی گوش می‌کنند. باب گفت‌وگو باز است. شرکت‌کنندگان در بحث مشارکت می‌کنند. ارتباط آمریکا با شوروی سابق، مذاکرات مختلف میان آن‌ها و بالاخره تجزیه شوروی. شرکت‌کنندگان در مسابقه به فکر فرو می‌روند و درباره موضوعات مطرح شده نظری می‌دهند. در پایان به دو نفر که بیشترین پاسخ درست را داده بودند، پلاک ایران داده می‌شود.

حجت حقی یکی از این چهار نفر است. او معتقد است طی بازی اطلاعاتی کسب کرد که تا حالا از آن بی‌خبر بود. از طرفی بازی خانوادگی برایشان لذت بخش بوده است.

انسیه ترسلی پس از پایان بازی می‌گوید: معمولاً خانواده‌ها با روی بازی برای ماه هستند. محتوا برایشان جذابیت دارد. شرکت‌کنندگان بیشتر مسافر هستند و اینجا در کنار فضای استراحت چای می‌نوشند و بازی می‌کنند. جالب این است که بیشترشان بعد از اتمام بازی به زبان می‌آورند که دید تازه‌ای به اتفاقات روز پیدا کرده‌اند.